

مسئول‌تلفن‌ارتباطی‌باخوندهگان **۰۲۱۲۳۰۲۳۳۹۱۶**

با مردم

مسئولان پاسخگو باشند

بنده بازنشسته هستم و بارها در همین سستون پیام‌های مختلفی از بازنشستگان و دیگر اقشار دیده‌ام. به‌خصوص این اواخر گلایه‌مندی بازنشستگان از عدم‌افزایش حقوق را بسیار دیده‌ام، اما تاکنون ندیده‌ام حتی یک مسئول در این زمینه پاسخگو باشد.

رسایی از کرمان

پیشنهاد نامگذاری میدان یا خیابانی به‌نام شهیدان اخلاقی در منطقه ۱۲

پیشنهاد می‌کنم میدان کوچکی که روبه‌روی اداره برق در منطقه ۱۲ ناحیه ۶ تهران وجود دارد به نام برادران شهید «اخلاقی» که از اهالی این محل بودند و در جنگ تحمیلی به شهادت رسیدند و باعث افتخار ساکنان این منطقه هستند، نامگذاری شود.

منوچهری از تهران

سرقت علائم راهنمایی و رانندگی و گاز دریل‌هانگران کننده است مدت‌هاست که میله وسط سستون‌های گاز دریل در مسیر آزادگان جنوب به شمال در دیده شده است که هم از باب سرقت و هم از بابت ناامنی نگران‌کننده است. از سوی دیگر بسیاری از علائم راهنمایی و رانندگی هم در این مسیر سرقت شده است.

جعفری خانقاه از اووان

رسال پیام‌گوبه‌خواندهگان **۰۲۱۲۳۰۲۳۳۹۱۶**

پيامك

معلوم نشود چرا از شهرستان‌های اطراف برای نان به زاهدان می‌آیند

به‌تازگی برخی افراد از شهرها و شهرستان‌های مجاور زاهدان برای تهیه نان در میزان بالا به نانوايي‌های زاهدان مراجعه می‌کنند که همین امر باعث شلوعی نانوايي‌های زاهدان و صف‌های طولانی شده است. چرا مردم سایر شهرستان‌ها برای نان به این شهر می‌آیند که هم خودشان و هم مردم شهر را دچار مشکل کنند؟

موسی‌زاده از زاهدان

مقصران حادثه متروپل به‌اشد مجازات محکوم شوند

حادثه فروریختن ساختمان متروپل در آبادان که منجر به فوت و مصدوم شدن جمعی از هموطنان و خسارت سنگین به مردم شده، مایه تأسف است که چرا ااین ساختمان باید همانند ساختمان پلاسکو تهران ریزش کند؟ چه کسانی مسئول چنین حوادثی هستند؟ باید با مقصران و مسئولان این حادثه بر‌خورد جدی شود.

افتخاری از تهران

آمار قربانیان حادثه متروپل تا عصر دبروز به ۲۴نفر افزایش یافت

جزئیات آواربرداری

گزارش

شروز پس از ریزش ساختمان ۱۰طبقه متروپل آبادان، عملیات جست‌وجو در میان ویرانه‌ها همچنان ادامه دارد. این در شرایطی است که تا عصر دیروز پیکر‌های بی‌جان ۲۴نفر از ویرانه‌ها بیرون کشیده شده‌است. آمار آواربرداری متروپل چقدر طول می‌کشد؟

به گزارش همشهری، از ظهر دوشنبه، دوم خردادماه که خیر رسید ساختمان ۱۰ طبقه متروپل که قرار بود نمادی از توسعه و پیشرفت در آبادان باشد در یک چشم برهم زدن ویران شده است، تاکنون همه ایران اخبار این حادثه تلخ را با حساسیت زیادی دنبال می‌کنند. خبر‌های اولیه که ساعتی پس از وقوع این حادثه منتشر شد، نشان می‌داد که بین ۸۰ تا ۸۰نفر زیر آوار گرفتار شده‌اند، اما هیچ‌کس باورش نمی‌شد که ریزش این ساختمان چنین تلفات سنگینی بر جای بگذارد. با وجود این هرچه گذشت این خبرها بیشتر رنگ واقعیت به‌خود گرفت. لحظه به لحظه خبر کشف پیکر‌های جان‌باختگان متروپل در رسانه‌ها منتشر شد تا عصر دبروز که آمار قربانیان به ۲۴نفر و مصدومان حادثه ۲۷نفر اعلام شد.

در آبادان چه خبر است؟

مهدی ولیپور، سرپرست سازمان امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر درباره آخرین وضعیت آواربرداری و امدادسانی حادثه متروپل به همشهری می‌گوید: محلی که این حادثه در آنجا اتفاق افتاده خیابان باریک است و کوچ‌های که در مجاورت متروپل واقع شده هم کوچ‌های تنگ است و همین موضوع برای کار آواربرداری محدودیت ایجاد می‌کند؛ چراکه امکان ورود هر خودرو و تجهیزاتی ببه آنجا وجود ندارد. همچنین به‌دلیل ناپایدار بودن سازه و محل آوار، بعضی قسمت‌ها ریزش می‌کند و به همین دلیل عملیات با احتیاط زیادی ادامه دارد تا برای هیچ‌کس حادثه‌ای اتفاق نیفتد.

حفر ۶تونل فرعی

ولیپور درباره سناریوهایی که برای ادامه عملیات وجود

دارد، می‌گوید: در روزهای اول بعد از حادثه چون همچنان این احتمال وجود داشت که بعد از ریزش ساختمان افرادی زیر آوار زنده مانده باشند، بعد از انجام بررسی‌های دقیق از ۶جهت، ۶تونل به‌سوی

حوادث



قابلمه مشغول آواربرداری هستند، ولیپور در این‌باره می‌گوید: تصاویری که در این خصوص منتشر شده مربوط به کوجه پشتی محل حادثه است که طبق بررسی‌های انجام‌شده هنگام وقوع حادثه هیچ‌کس در آنجا حضور نداشته، اما عده‌ای می‌گویند ممکن است در آنجا هم کسی باشد و خودشان باید دست‌خالی مشغول آواربرداری شده‌اند. اما این کار هیچ فایده‌ای ندارد و حتی ممکن است این افراد خود دچار حادثه شوند. او در ادامه می‌گوید:از همان روز نخست حادثه عملیات جست‌وجو و آواربرداری بدون وقفه ادامه دارد و پیش‌بینی می‌شود دست‌کم ۴، ۸روز دیگر عملیات ادامه داشته باشد و دست‌کم ۲۲نفر دیگر زیر آوار گرفتار هستند که تلاش می‌کنیم تا در کوتاه‌ترین زمان ممکن این افراد را بیرون بکشیم.

عذرخواهی به‌خاطر خبر ۳۰ساعت ماندن زیر آوار
یک روز پس از ریزش متروپل خبری درباره زنده بیرون کشیده شدن مردی پس از ۳۰ساعت از زیر آوار منتشر شد و حتی یکی از بخش‌های خبری سیما با این فرد گفت‌وگو کرد و او مدعی شد ۳۰ساعت زیر آوار بوده و نجات پیدا کرده است؛ خبری که از همان ابتدا همه با دیده شک و شبهه به آن نگاه می‌کردند تا اینکه سرانجام کذب بودن آن معلوم شد و این فرد در گفت‌وگوی دیگری با خبر سیما مجبور به عذرخواهی شد.

فسادگسترده در متروپل

عالی‌ترین مقامی که پس از ریزش متروپل در محل حادثه حاضر شد، محمد مخبر، معاون اول رئیس‌جمهور بود. او در بازدید از ویرانه متروپل حرف‌های تامل‌برانگیزی زده و می‌گوید: فساد گسترده‌ای بین پیمانکار، ناظر و دستگاه‌های مجوزدهنده در ساخت متروپل وجود داشته است. او ادامه می‌دهد: با دستور رئیس‌جمهور و دستور

جدال خونین سارق شیشه‌ای و کارگران

سارق شیشه‌ای که در جریان سرقت از یک ساختمان نیمه‌کاره، با کارگری درگیر شده و او را به کم‌فراسته بود به اتهام شروع به قتل بازداشت شد. به گزارش همشهری، یکشنبه، اول خرداد مردی که در حال گذر از خیابانی در شمال غرب پایتخت بود صدای درگیری از داخل یک ساختمان در حال ساخت شنید و قدم به آنجا گذاشت. در اتاق نگهداری ۲ مرد جوان، دست و پای فردی را بسته بودند و مرد رهگذر با دیدن این صحنه پلیس را خبر کرد. با حضور مأموران معلوم شد فردی که دست و پایش را بسته بودند با هدف سرقت میلگرد وارد ساختمان نیمه‌کاره شده، اما با کارگر آنجا درگیر شده و هر ۳نفر را زخمی کرده بود. یکی از کارگران که به‌صورت سطحی آسیب دیده بود به مأموران گفت: من به همراه ۲نفر از همکارانم داخل اتاقک در حال استراحت بودیم که سر و صدایی شنیدیم. وقتی از اتاقک خارج شدیم مرد غریبه‌ای را در حال سرعت میلگردها دیدیم و با او درگیر شدیم. سارق بی‌رحم ناگهان کاردی‌ک از روی زمین برداشت و ابتدا یکی از ما را به شدت زخمی کرد که او از هوش رفت. بعد به سمت من و همکار دیگرم حمله کرد و به ما هم آسیب زد، اما خوشبختانه من موفق شدم کاردک را از دستش بگیرم، بعد دست و پایش را بستیم تا مانع فرارش شویم. در جریان این حادثه، سارق بازداشت شد و کارگری که به‌شدت زخمی شده بود به بیمارستان انتقال یافت، اما شدت جراحات به حدی بود که او به کمارفت. از سوی دیگر سارق وقتی برای تحقیق به دادسرای جنایی تهران انتقال یافت به‌بازپرس پرونده گفت: من شیشه مصرف کرده بودم و روز حادثه صدایی به من گفت وارد ساختمان شوم، اما فکر می‌کنم اشتباه‌وارد آنجا شدم و تحت توهمات عجیب مواد بودم. کارگران هم تصور کردند قصد سرقت دارم اما اینطور نبود. وی اگر چه منکر آسیب رساندن به کارگران و سرقت بود، اما در ادامه تحقیقات حقایق را بیان کرد و گفت: مدتی قبل از یکی از شهرهای شمالی کشور برای کار به تهران آمدم، اما چون اعتیاد به شیشه داشتم نتوانستم کار مناسبی پیدا کنم. تا اینکه تصمیم گرفتم برای تامین هزینه‌های زندگی و مواد دست به سرقت بزنم. من از ساختمان‌های نیمه‌کاره، میلگرد می‌دزدیدم اما در سرقت آخر، کارگران با من درگیر شدند و ناچار شدم برای فرار از دستگیری به آنها آسیب بزنم، ولی قصد کشتن کسی را نداشتم. منمهم پس از اعتراف به درگیری خونین با قاتونی بازداشت شده و در اختیار مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفته‌است.

یادبود

ضمن سپاس و تشکر از الطاف عزیزانی که در این یک سال صمیمانه همراهمان بودند به عرض می‌رساند یک سال از سفر بی‌بازگشت جناب آقای

عبدالرحیم کاویانی گهرویی

پدري مهربان و همسري وفادار، به دیار باقی می‌گذرد.

از آنجایی که دلش به لیخنند انسانها گرم بود، در سالروز عروجش، تصمیم گرفتیم، هزینه برپایی مراسم ایشان را صرف امور خیریه به نفع معلولین و نیازمندان در موسسه رعدالغدیر کنیم، باشد که لیخند هر توانیاب در جهت توانمند شدن، آرامشی باشد برای این عزیز سفر کرده‌مان.

از طرف همسر، فرزندان و سایر اعضای خانواده آن مرحوم

تسلیت

خانواده محترم آقای مصطفی نستار
با اندوه فراوان درگذشت برادر گرامیتان آقای **محمدعلی نستار** را به آن خانواده محترم و سایر بستگان و دوستان تسلیت عرض می‌نماید.

شرکت گندم کوب تهران

هم‌شهری

مکت

داستان تلخ قربانیان متروپل

این روزها شبکه‌های اجتماعی پر شده از تصاویر مربوط به حادثه ریزش ساختمان متروپل آبادان و در این میان عکس‌های برخی از قربانیان حادثه دل‌هر بیننده‌ای را به درد می‌آورد. این گزارش ماجرای زندگی برخی از آنهاست.

وداع با سهیل



تنها چند ساعت از حادثه ریزش متروپل می‌گذشت که کلبیی در شبکه‌های اجتماعی دست به‌دست شد؛ مردی که پیکر غرق خون پسرچهاره‌ای را در آغوش گرفته‌بود، فریادزنان به سمت خیابان

می‌وید و در خواست کمک می‌کرد. هرچند آن روز پیکر پسرچهاره ۷ساله به بیمارستان انتقال یافت اما شدت صدمات به حدی بود که تلاش پزشکان برای نجات وی بی‌نتیجه ماند و او جانش را از دست داد و حالا تصاویر مربوط به خاکسپاری او دل‌هر بیننده‌ای را به درد می‌آورد. این پسرچهاره، مسیح صادقی نام داشت. یکی از شاهدان حادثه در گفت‌وگو با همشهری می‌گوید: در محل حادثه یک از مایشگاه پزشکی وجود داشت و روز حادثه پدر مسیح او را برای انجام آزمایش به آنجا آورده بود که هنگام خروج از آزمایشگاه ناگهان ساختمان متروپل ریخت و مسیح زیر مقناری خاک و بتن مدفون شد. هرچند پدرش توانست او را در همان دقایق اولیه از زیر آوار بیرون بکشد و به بیمارستان منتقل کند اما متأسفانه وی به‌دلیل شدت صدماتی که دیده بود جانش را از دست داد.

بستنی آخر

در میان افراد گرفتار در آوار متروپل، ۲ خواهر ۱۰ و ۴ساله هم بودند. یکی از آشنایان آنها به همشهری می‌گوید: آن روز این دو خواهر به همراه مادرشان به خانه برمی‌گشتند که در مسیر از مقابل ساختمان متروپل گذشتند. در طبقه همکف این برج به تازگی یک بستنی‌فروشی افتتاح شده بود و هر دو دختر به مادرشان التماس کردند که توقف کند تا بستنی بخزند. مادرشان کنار خیابان توقف کرد و هر دو خواهر از ماشین پیاده و وارد بستنی‌فروشی شدند که ناگهان ساختمان فرو ریخت و در چشم برهم‌زدنی، همه‌جا پر شد از گرد و خاک. کمی بعد فقط صدای شیون و فریاد به گوش می‌رسید و اثری از ۲خواهر نوجوان نبود. آنها به همراه افرادی که در بستنی‌فروشی کار می‌کردند زیر آوار مدفون شدند و از همان روز پدرشان مقابل ساختمان است تا شاید امدادگران بتوانند پیکر عزیزانش را زیر آوار بیرون بکشند.

آهن‌فروش خوشنام



برای بیشتر کسبه آبادان نام پیمان بانودی، عجین شده با مروت و جوانمردی. او نیز یکی از افرادی بود که در حادثه آوار متروپل جانش را از دست داد و پیکرش با پدرفقه انبوه جمعیت در آبادان، به خاک سپرده شد.

یکی از کسبیه که پیمان بانودی را از نزدیکی می‌شناخت به همشهری می‌گوید: پیمان سال‌های سال با پدرش در کار فروش آهن بود. این اواخر اما دیگر پدرش تقریباً بازنشسته شده بود و پیمان به تنهایی انباری را در منطقه‌احمدآباد اداره می‌کرد. او ادامه می‌دهد: امکان نداشت فردی برای خرید آهن نزد او برود و تاراضی برگردد، با شرایط مشتری هر طوری که بود راه می‌آمد. اعتباری، چکی یا نقدی. شرایط مشتری هر طور که بود، به او نه نمی‌گفت و همین باعث شده بود که همه به خوبی از او یاد کنند. روز حادثه اما، باینکه آهن‌فروشی پیمان با ساختمان متروپل فاصله زیادی دارد، ظاهرا او یکی از آشنایانشان را برای آزمایش به آزمایشگاه برده بود و وقتی برگشتند، آشنسانی آنها پادش آمد که دفترچه‌اش را در آزمایشگاه جا گذاشته است. پیمان هم به او گفته بود که خودش می‌رود و دفترچه را می‌آورد و ظاهرا آن روز برای گرفتن دفترچه به آزمایشگاه برگشته بود که ناگهان متروپل ریخت و پیمان زیر آوار ساختمان جانش را از دست داد.

چشم‌انتظار

«مادر خانسواده الان ۴روز است که مقابل ساختمان متروپل ایستاده به امید اینکه امدادگران پیکر شوهر و بچه‌هایش را از زیر آوار بیرون بکشند.»

این را یکی از دوستان خانواده جلیلیان می‌گوید. صاحب همان بستنی‌فروشی که ۲خواهر ۱۰ و ۴ساله در آنجا زیر آوار مدفون شدند. او ادامه می‌دهد: محمد جلیلیان بیشتر از ۲۰سال یک آمبیه و بستنی‌فروشی در خیابان امام خمینی(ره) داشت اما مدتی قبل با صاحب ملک دچار اختلاف شد و حدود ۲۰روز قبل از حادثه، خانواده جلیلیان مغازه‌ای در طبقه همکف برج متروپل گرفتند. شاید فقط ۲روز بود که مغازه‌شان افتتاح شده بود و آقای جلیلیان به همراه برادرزاده و ۲پسرش

که یکی از آنها کمتر از ۲۰سال سن دارد در مغازه مشغول کار بودند که برج ریخت و آنها زیر آوار گرفتار شدند. او فقط همین ۲پسر را داشت و حالا مادر خانواده مانده است و این داغ بزرگ.

کافه مری

مریم کعبی ورامین معصومی دی‌ماه سال گذشته کافه «مری» که برگرفته از اسم مریم است را در طبقه همکف برج متروپل افتتاح کردند. آنها ۲سال از ازدواجشان می‌گذشت و روز حادثه،

زمانی که شیرین، خواهر مریم، به‌دنبال آنها به مقابل کافه رفته بود و داخل ماشین نشسته بود، ناگهان متروپل فروریخت و مریم، شیرین ورامین، زیر آوار مدفون شدند. با تلاش امدادگران اجساد شیرین و رامین از زیر آوار بیرون کشیده شد و تلاش برای یافتن مریم ادامه دارد.

محمد جلیلیان و دو پسرش

رامین معصومی و خواهر همسرش